



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Vol: 14 Issue: 37
Winter 2024

Pages: 79-102

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.54964.2414

Received: 2023/02/28 Received in revised form: 2023/08/22 Accepted: 2023/09/18 Published: 2023/12/24

The Issues and Basis on Legitimizing the Rule of Ilkhans Based on Numismatic Evidence with Emphasis on the Verse 26 of Surah Al-Imran

Nayere Dalir¹ | Mojtaba Khalifeh²

Abstract

Legitimacy has always been one of the most important goals of governments. The upcoming research endeavors to clarify the issue of legitimacy in the era of the Mughal patriarchs (Ilkhans) during the two periods of their political life. In this research, numismatic evidences have been used to conduct a comparative study of the basis and the issue of legitimacy in two stages of "Muslim" and "non-Muslim" Ilkhans. The data on the coins is considered a suitable tool for measuring historical information. The article is responding to the question of how to explain the process of legitimization of "non-Muslim" and "Muslim" rulers of the Ilkhanid era based on numismatic evidence. It uses the method of "historical explanation" and the precise references to the coins. This study proposes the claim that the use of Qur'anic verses and narrations in the non-Muslim age of Ilkhans on coins was widespread, and this is a sign of the Mongol rulers' attention to the religion of the subjugated people, and seeking legitimacy through that. The findings of the research show that the most prominent and important Islamic pattern common in the coins of the "non-Muslim" age of Ilkhans, especially the time of Halaku khan, is verse 26 of Surah Al-Imran, where the verse "Opponents of Governments" can also be mentioned. After the Ilkhans became "Muslims", this particular verse has been used more cautiously and exclusively in Iraq for some reasons. This has shown the necessity of the legitimacy of the Muslim patriarchs (Ilkhans) in this important region of the caliphate based on this verse. In general, the use of this verse in the Muslim period is very limited compared to the "non-Muslim" period.

Keywords: legitimacy, patriarchs, non-Muslim and Muslim eras of Ilkhanids, Ilkhanid coins, numismatic evidences, verse 26 of Al-Imran.

1. Associate Professor of Humanities and Cultural Studies Research Institute (Responsible Author)
dalirnh@yahoo.com

2. Assistant Professor, Birjand University, Iran
khalife_m@yahoo.com

مسئله و مبنای مشروعیت‌یابی ایلخانان براساس شواهد سکه‌شناسی

با تأکید بر آیه ۲۶ سوره آل عمران

نیره دلیر^۱ | مجتبی خلیفه^۲

چکیده

مشروعیت همواره از مهم‌ترین اهداف حکومت‌هاست و پژوهش پیش رو تلاش دارد مسئله مشروعیت در عصر ایلخانان مغول را طی دو دوره از حیات سیاسی آن‌ها روشن سازد. در این پژوهش از شواهد سکه‌شناسی برای مطالعه تطبیقی مبنا و مسئله مشروعیت در دو مقطع «مسلمانی» و «نامسلمانی» ایلخانان استفاده شده است. داده‌های سکه‌ها ابزار مناسبی برای سنجش اطلاعات تاریخی محسوب می‌شوند. مقاله در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان مشروعیت‌یابی حکمرانان «نامسلمانی» و «مسلمان» عصر ایلخانی را براساس شواهد سکه‌شناسی تبیین کرد؟ از شیوه تبیین تاریخی و استناد به سکه‌ها بهره گرفته است. مقاله این ادعا را طرح می‌کند که استفاده از آیات و روایات در عصر نامسلمانی ایلخانان بر روی سکه‌ها رواج داشته و این امر نشان از توجه حکمرانان مغول به دین مردم تحت انقیاد و مشروعیت‌یابی از آن طریق است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شاخص‌ترین و مهم‌ترین الگوی اسلامی رایج در سکه‌های عصر «نامسلمانی» ایلخانان به‌ویژه زمان هلاکوخان آیه ۲۶ سوره آل عمران بوده که آیه «معارضین حکومت‌ها» هم می‌توان از آن یاد کرد. پس از «مسلمان» شدن ایلخانان تقریباً استفاده از این آیه خاص بنا به دلایلی با احتیاط بیشتر و تنها در عراق به کار رفته است. این امر نشانگر ضرورت مشروعیت ایلخانان مسلمان در این منطقه مهم خلافت‌نشین براساس این آیه بوده است. در مجموع استفاده از این آیه در دوره «مسلمانی» نسبت به دوره «نامسلمانی» بسیار محدود شده است.

واژگان کلیدی: مشروعیت، ایلخانان، نامسلمان - مسلمان، سکه، آیه ۲۶ آل عمران.

مقدمه

مطالعه تاریخی روند استقرار و تثبیت حکومت‌ها نشان می‌دهد موضوع مشروعیت‌یابی سازمان قدرت به‌مانند مهم‌ترین تلاش حکمرانان برای تداوم حکمرانی خود بوده‌است. در آن میان، روند مشروعیت‌یابی به‌دلیل آنکه تابعی از مناسبات اجتماعی و مقتضیات زمانه بود، خود به یکی از پیچیده‌ترین روندهای سیاسی در جوامع بشری تبدیل شده‌است. بسیاری از اندیشه‌های فاخر جوامع به مقوله‌الگوهای مطلوب امر حکومت و صفات حکمرانان اختصاص یافته‌است. بنابراین بخشی از بحث‌های مربوط به فلسفه سیاسی به حوزه‌هایی چون حق حکمرانی، الگوهای حقوقی حکمرانی و اخلاق قدرت و نظایر این‌ها اختصاص یافته‌است. در واقع تجربیات اندیشه‌ورزی سیاسی مردمان در طول تاریخ بین چرخه‌انتخاب/انتخاب‌شدن حکمران و سقوط/زوال، حکومت/حاکم شکل گرفته‌است. آنچه تنوع و دیگرگونی تجربیات سیاسی مردمان را در این حوزه‌ها در جوامع باعث شده‌است، به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه بازمی‌گردد که بازتاب آن در اشکال متفاوت الگوهای حکمرانی و فلسفه سیاسی هر جامعه بروز می‌کند.

هر حکومتی پس از به قدرت رسیدن، تلاش دارد برای به دست آوردن حداکثر اقتدار، مشروعیت خود را به حکومت‌شوندگان بقبولاند. این امر مستلزم تدوین نظریاتی است که امروزه به مبانی مشروعیت تعبیر شده‌است. هرچند این مفهوم بدین شکل در گذشته تاریخی به کار نرفته، اما هیچ حکومتی نیز بی‌نیاز از آن نبوده‌است. مشروعیت؛ سطوح نخبگانی و عام را در برمی‌گیرد. به تعبیری روشن‌تر، دقیق‌ترین نظریات مشروعیت‌ساز این تفاوت‌ها را در نظر می‌گیرند. از این‌رو باید توجه داشت فرایندها و نظریات مشروعیت‌ساز از پیچیدگی‌های درونی بسیاری برخوردارند. هرچند در ابتدا ساده به نظر می‌آیند؛ اما از آنجاکه مخاطبان آن‌ها لایه‌ها و سطوح گوناگون نظام اجتماعی هستند و این لایه‌های گوناگون موجب می‌شود، مشروعیت‌ها نیز متناسب با آن لایه‌لایه گردد، این امر ناگزیر بر پیچیده ماندن آن‌ها خواهد افزود. حکومت‌ها نیز با توجه به سطح حکومت‌شوندگان این مبانی را سطح‌بندی و تدوین خواهند کرد (دلیر، ۱۳۹۷: ۲-۵). مشروعیت را می‌توان برابند دو نیروی مهم «حقانیت» و «مقبولیت» دانست. تفاوت این دو از ملزومات فهم نظریات مشروعیت دوره سنت است. در

دنیای سنت، «حقانیت» از دو پایه اصلی شکل گرفته است. نخستین و مهم‌ترین آن، منبعث از عالم اعلی، برخاسته از امر الهی یا اموری مرتبط به آن و معطوف به کیهان‌شناسی پیشامدرن است و مولفه دوم «تبار» و «خاندان» است که در ارتباط انضمامی با پایه نخستین قرار دارد. این امر از عالم سفلی نشئت گرفته و در موقعیت زمینی سامان یافته است. هر دو مؤلفه، تأثیر مضاعف و فوق‌تصوری در افزایش مقبولیت حاکم در میان حکومت‌شوندگان دارد. اما مقبولیت؛ چون منشوری عمل کرده که افزون بر بازتاب وجه حقانیت در آن، از وجوه دیگری مانند امنیت، عدالت، ثروت، سعادت و مواردی از این نوع بهره گرفته است. این وجوه، ماهیت کارکردگرایانه داشته و در واقع مقبولیت کامل، زمانی در مرحله نهایی خود تعیین یافته که از سطح «نظری - ماورائی» به سطح «عینی - زمینی» گام نهد (نک: همان، ۲۷-۲۸).

تدوین نظریات مشروعیت توسط نظریه‌پردازان و علمای هر عصر صورت گرفته و در تدوین آن‌ها روابط متقابل حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان مدنظر قرار داشته است. این روابط ناشی از ترس عمیق و پنهان انسان‌ها از اموری است که خود موجد پدیدار شدن آن‌ها هستند. انسان‌ها برای رهایی از وحشت ناامنی و درگیری و به وجود آمدن نظم اجتماعی و امنیت، به روابطی تن می‌دهند که همواره اراده‌ای برتر، از سوی فرمانروا به فرمان‌برداران تحمیل می‌شود، رابطه فرمان‌دهی و فرمان‌پذیری که اگر توجیه منطقی برای این رابطه ارائه نشود با واکنش منفی فرمان‌برداران روبرو خواهد شد. در این صورت دو راه وجود دارد، نخست با شدت عمل کردن به این معنی که فرد را مجبور به اطاعت کند، البته با کاسته شدن قدرت، در این صورت نافرمانی علیه آن آغاز خواهد شد تا جایی که در نهایت موجب نابودی قدرت می‌گردد. دوم فرمان‌های فرمانروا به صورت حق درآید. یعنی فرمان‌بردار، اراده و فرمان فرمانروا را حق تلقی کند و با رضایت درونی و از روی اختیار آن را بپذیرد. در این حالت می‌توان گفت حکومت و قدرت دارای مشروعیت است. (گولیمو، ۱۳۷۰: ۲۰).

با توجه به نکات یادشده، پژوهش پیش رو، به مسئله و مبنای مشروعیت‌یابی دو دوره متمایز و متفاوت حیات سیاسی ایلخانان مغول در اعصار «نامسلمانی» و «مسلمانی» می‌پردازد. مغولان با تصرف سرزمین‌های متعدد با تکثر فرهنگ‌های متکثر، اقوام و مذاهب

مختلف پس از تشکیل حکومت با مسائل متعددی روبه‌رو شدند. مهم‌ترین مسائلی که همان ابتدا برایشان مطرح شد، چگونگی مشروعیت‌یابی در سرزمین‌های تحت سلطه بود. مهم‌ترین بخش جهان اسلام که به تصرف مغولان درآمد شرق آن با مرکزیت ایران بود. مشروعیت مغولان در عهد «نامسلمانی» توسط برخی علما و حتی مورخان نظریه‌پردازی شده بود. درحالی‌که با توجه به تثبیت قدرت آن‌ها و همچنین برخورد با جهان اسلام در مرزهای غربی و به‌خصوص درگیری‌ها و رقابت‌های درون‌گروهی خود، نیاز به مبنای مشروعیتی فراگیرتر بیش از آنچه فراهم شده بود داشتند تا بتوانند مسئله مشروعیت خود را با توجه به شرایط زمان خود پاسخ دهند. (برادبریج، ۱۳۹۹) «مسئله» مشروعیت حکمرانان مغولی در میان مسلمانان امری بود که نیاز به پاسخی از درون الگوهای رایج آن جامعه داشت و نیاز به «مبنا»هایی داشت که براساس باورها و اعتقادات جامعه اسلامی شکل گرفته باشد. بنابراین با سقوط خلافت عباسی که جایگاه مشروعیت‌بخش در بخش‌های مهمی از جوامع اسلامی داشت، مغولان تلاش کردند این جایگاه را نیز به تصرف خویش درآورند. توجیحات نخستین که برای مغولان در جامعه اسلامی ایرانی رواج یافت مانند عذاب و قهر الهی (جوینی، ۱/ ۸۱) تازیانه الهی و سربازان الهی، (ابن اثیر، ۱۶۸/۲۶) هرچند به ضعف و خالی شدن میدان از معارضان و مخالفان جدی منجر شد؛ اما نمی‌توانست مشروعیت متناسب با خلافت عباسی را به همراه آورد، بلکه مشروعیت قهرآمیز را به همراه داشت. از این‌رو تلاش نظریه‌پردازان و علمای مسلمان این زمان در حل دشواره مشروعیت مغولان مسئله مقاله حاضر است که با استناد بر آیات، به‌ویژه آیه «اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک من تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر» و سایر نشانه‌های سکه‌ها در دو عهد «نامسلمانی» و «مسلمانی» ایلخانان مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد.

شایان‌ذکر است در امر گردآوری سکه‌ها و درج اطلاعات پشت و روی آن‌ها از آثار سکه‌شناسان مشهور مانند سرفراز و آورزمانی، بهرام علاءالدینی، سیدجمال ترابی طباطبایی، سعید سلیمانی، منصوره وثیق استفاده شده‌است که بیشتر به ارائه داده‌ها و اطلاعات پشت و روی سکه‌ها به همراه تصاویر آن‌ها پرداخته‌اند و مهم‌ترین منابع برای کوشش‌های تحقیقاتی سایر پژوهشگران در حوزه سکه‌ها محسوب می‌شوند. افزون بر این‌ها، کتاب تاریخ

تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی از آغاز تا تأسیس صفویه (شاهمرادی، ۱۳۹۹) نیز از این دست است. و اما در عرصه پژوهش‌هایی که مؤلفانشان تلاش کرده‌اند با استفاده از منابع یادشده به طرح مسئله‌ای نوین بپردازند و آن را تبیین و یا تحلیل کنند به چند مقاله پژوهشی می‌توان اشاره کرد: از متقدم‌ترین آن‌ها مقاله «گرایش‌های سیاسی اجتماعی ایلخانان براساس مسکوکات» و مقاله «شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان» از سرافرازی را باید نام برد. مقاله دوم ضمن بررسی اجمالی سکه‌های بازه طولانی یعنی از زمان خلفای راشدین تا شکل‌گیری صفویه به این آیه در سکه‌های عصر ایلخانی با تمرکز بر هلاکو، اباق‌خان و احمد تکودار اشاره کرده‌است و نقر آن را نشانه «دگرگونی حاکمیت» دانسته‌است. (سرافرازی، ۱۳۹۴: ۱۳). پس از آن نیز مقاله «نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی»، شرفی و همچنین شمسی و دیگران، در مقاله «تحلیل فرایند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی» باید یاد کرد که مورد اخیر بیشترین نزدیکی را با مسئله مقاله پیش رو دارد البته در مقاله حاضر تلاش شده‌است ابعاد دیگری از مشروعیت در زمانه «نامسلمانی» و «مسلمانی» ایلخانان مغول، با تکیه بر شواهد سکه‌ها و الگوهای مبنایی به‌کاررفته، طرح شود و این دو دوره متمایز عصر ایلخانی بر این اساس بررسی تطبیقی شود. کاری که گامی تکمیلی نسبت به مقاله متقدم‌تر محسوب شده و چشم‌انداز دیگری از مسئله مشروعیت را طرح و کاوش می‌نماید. مقاله «برهمکنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی» اثر فیضی و همکاران مسئله کاربست نشانه‌شناسی در مضامین سکه‌های ایلخانی با توجه به ویژگی‌های نوشتاری، تصویری عناصر بصری سکه معانی مستتر و ضمنی آن‌ها بحث می‌کند. همچنین لازم است از پایان‌نامه کارشناسی ارشد احسان نجف‌زاده از کاوشگران و پژوهشگران سکه‌شناس با عنوان اهمیت تاریخی سکه‌شناسی مغول و ایلخانان، نیز نام برد که در مورد سکه‌ها و کسب مشروعیت براساس شواهد سکه‌های این عصر پرداخته (نجف‌زاده، ۱۳۹۸) البته مسئله پژوهش پیش رو بررسی نشده‌است. پیش‌تر نیز درباره نحوه مشروعیت‌یابی در عصر ایلخانی مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی تاریخی قدسیت سلطنت و مفهوم ظل الله براساس منابع تاریخ‌نگاری دوره ایلخانی» توسط صاحب این قلم تالیف شده‌است. (دلیر، ۱۴۰۰: ۱۰۱-۱۱۹) آنچه پژوهش

پیش رو را از تحقیقات یادشده و سایر پژوهش‌هایی از این دست متمایز می‌سازد تمرکز مسئله‌مند بر کاربرد یا عدم کاربرد آیه «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قذیر» در سکه‌های دو دوره از حکمرانی ایلخانان نامسلمان و مسلمان است و در این پژوهش با توجه به اقتضائات زمانه تبیین شده‌است.

مغولان و مسئله مشروعیت

مغولان از چنگیزخان تا آستانه روی کار آمدن غازان خان به جز دوره سلطان احمد تکودار - در سکه‌های احمد تکودار شواهد مسلمانی بسیاری وجود دارد - مسلمان نبودند (نک: شرفی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵) و به‌رغم تأیید نسبی مشروعیت امر سیاسی، آنان هیچ‌گاه جنبه «ظل‌اللهی» نداشته، اگرچه براساس سنت مغولی جایگاه «تاب تنگری» داشتند اما این جایگاه در جامعه اسلامی مورد پذیرش نبود و کارکردی در ساختار فرهنگی و نظام اجتماعی مسلمانان نداشت. براساس روایت‌های ارائه‌شده موجود، جایگاه فرمانروایان مغول جایگاه «آسمانی» بود و آن‌ها برگزیده بودند. این امر در اسطوره‌های این قوم که سعی کرده‌است به آن جنبه آسمانی و متافیزیک ببخشد قابل‌رؤیت است. به‌عنوان مثال در روایتی اسطوره‌ای از آلان قوا، نیای مادری مغولان این امر به‌وضوح قابل‌رؤیت است. آلان قوا دو پسر از شوهرش داشته که پس از مرگ او سه پسر دیگر نیز به دنیا می‌آورد، این امر بر پسرانش گران آمده و آن‌ها بر مادر نیت سوء برده؛ اما مادر این تولدها را این‌گونه روایت می‌کند: «هرشب مردی زرد نورانی از روزن بالای خرگاه [یا] از [درز] روشن پنجره [در] وارد می‌شد [و] بر شکم من دست می‌مالید، و پرتو نورانش در شکم من فرو می‌رفت. چون خارج می‌شد، مانند سگ زردی در اشعه آفتاب [یا] ماه می‌خزید و خارج می‌شد. چه ثمر که با گفته جواب شما را بدهم؟ برای کسی که درک کند، این علامت مسلم است که [این سه پسر] می‌بایستی فرزندان آسمان باشند. چگونه شما آنان را با «مردان سرسیاه» مقایسه می‌کنید؟ ایشان سلاطین همه خلائق خواهند شد، و آنگاه مردم عادی به خوبی درخواهند یافت» (تاریخ سری مغولان، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۲).

در تاریخ سری مغولان اصل و نسب چنگیز را به آسمان منتسب کرده‌است: «اصل و

نسب چنگیز قآن به برتاچینو Borta-cino می‌رسد که [به خواست آسمانی] از آسمانی که در آن بالاست، آفریده شده...» (همان، ۲۲-۲۳). در باب مشروعیت و تأییدات آسمانی تموجین نیز روایات بسیاری در تاریخ سری مغولان ذکر شده‌است (همان، ۳۴). از جمله او به‌رغم پاره شدن زین و افتادن آن از روی اسب، همچنان توسط آسمان حفظ شده‌است، (همان، ۴۲) و در باب تأییدات آسمانی و زمینی در نابودی قبائل دشمن تموجین این گونه سخن می‌گوید: «تموجین از تواوریل خان و جاموقه سپاس‌گزاری کرد [و] گفت: [...] ما به‌واسطه اتحاد با شما دو تن، خان پدرم و آندا جاموقه، و با گرفتن نیرویی روزافزون از آسمان و زمین، که از جانب آسمان قادر معین شدیم [و] به وسیله زمین، مادرمان به مقصد رسیدیم». (همان، ۵۹) مقصود این است که از قدرت‌های آسمانی و زمینی کمک گرفته‌اند. و در باب تأییدات و ندهای آسمانی در فرمانروایی تموجین آمده‌است: «... از جانب آسمان اشارتی آمد که ما با چشمان خود آن را دیدیم [...] آسمان و زمین [در این باره] متفق‌اند که تموجین رئیس قوم خواهد شد و ما قوم خود را برای تو خواهیم آورد. اشارات آسمانی را که به چشم خود دیدیم، ما را آگاه گردانید (همان، ۶۴-۶۵).

این روایات نشان می‌دهد مغولان در پی کسب جایگاه آسمانی و دستیابی به منشأ الهی و قدسی بودند. در حقیقت، مغولان بر پایه ایدئولوژی خود به‌مرور و پس از موفقیت‌های پی‌درپی، خصوصاً پس از فتح چین در سال ۶۰۵ هجری قمری، چه براساس باورهای اسطوره‌ای خود و چه در عمل به این دیدگاه معتقد شدند که نه‌تنها قومی برگزیده از سوی تنگری هستند؛ بلکه تنها قومی در بین اقوام ترک و مغول هستند که از سوی تنگری شایستگی حکمرانی دارند و در پی عملی کردن آن برآمدند. از سوی دیگر شخصیت چنگیزخان اهمیت بسیار در مشروعیت ناشی از وجه کاریزمایی داشت (برای مطالعه بیشتر نک: هوپ، ۱۴۰۱: ۷۱-۱۱۲). با این حال این نکته در جامعه اسلامی نمی‌توانست جایگاه چندانی داشته باشد، زیرا رقیب سرسختی چون خلافت عباسی و برخی منابع مشروعیت ساز دیگر را پیش رو داشت. این امر در جامعه اسلامی برای حاکمان غیرمسلمان چه میزان می‌توانسته‌است کارا باشد؟ به نظر می‌رسد به‌رغم این روایات و تلاش‌ها، مقام آسمانی و فرانسایی برای حاکمان کافر مغول به‌زعم مسلمانان همچنان در جامعه اسلامی پذیرفتنی نبود. از این رو، گفتمان اولویت حکومت «سلطان عادل کافر» بر «سلطان ظالم مسلمان»

شکل گرفت (نک: ابن طقطقی، ۱۳۶۸: ۱۹). این برداشت تفسیری است از جمله مشهور سیرالملوک/ سیاست‌نامه که مؤلف آن را از زبان بزرگان در اولویت داشتن حاکم عادل هرچند کافر بر حکمران مسلمان ظالم با این تعبیر آورده‌است: «الملک یبقی مع الکفر ولایبقی مع الظلم» (نظام الملک، ۱۳۴۰: ۱۵)

گفتمان «پابندگی مُلک با کفر و نه ظلم» را نمی‌توان گفتمان ارجح جامعه اسلامی دانست، چراکه سنت درون دینی جواز ترویج و بقای این گفتمان را نمی‌تواند صادر کند و مبنای آن را نمی‌تواند گسترش داده و پشتیبانی کند. از این رو تا زمان اسلام آوردن غازان خان، مسئله مشروعیت چالش بزرگ حکومت ایلخانان در زمینه مبنای نظری حکومت بود که این موقعیت، با اسلام آوردن غازان تغییر کرده و گفتمان جدیدی متأثر و البته متمایز از گفتمان‌های پیشینی مشروعیت در جامعه اسلامی برای ایلخانان مسلمان تولید و صورت‌بندی شد. شایان‌ذکر است نوع برخورد خشن و سخت مغولان از یک سو و تلاش‌های مشروعیت‌بخش متناسب با این رفتار مغولان از سوی دیگر چنان عرصه را بر مخالفان و معارضان تنگ کرده بود که تقریباً به‌جز مورد محدودی در عهد اباقا، نمی‌توان از قیام‌ها و جنبش‌های جدی علیه مغولان چندان اثری مشاهده کرد.

مغولان از همان آغاز به‌خوبی به مسئله مشروعیت سیاسی و لزوم کسب آن در جوامع مفتوحه آگاه بودند، به همین دلیل است که چنگیزخان آگاهانه و با اطلاع دقیق از قدرت معنوی خلیفه عباسی در جهان اسلام و نیز احترام به عقاید مذهبی جهان اسلام و کسب مشروعیت سیاسی، دقیقاً سکه‌هایی با شعائر اسلامی و ذکر نام خلیفه عباسی ناصر لدین‌الله ضرب نمود. امروزه سکه‌های ضرب چنگیز با آیات و شعائر اسلامی ضرب بخارا، خجند، مرو، قاین و استرآباد باقی مانده‌است (Album, Vol. 32, p.45, 46).

بررسی تطبیقی شواهد سکه‌ها

در واکاوی و نشانه‌شناسی خط و شعائر اسلامی حک شده بر سکه‌های ایلخانی عهد «نامسلمانی و مسلمانی» جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است. شواهد سکه‌شناسی نشان از تلاش‌های مشروعیت‌بخش مغولان پیش از اسلام آوردن از طریق درج آیات قرآنی

دارد. از جمله مهم‌ترین این سکه‌ها در زمان هلاکوخان نخستین مؤسس حکومت ایلخانی و جانشینانش ضرب شده که قسمتی از آیه ۲۶ آل عمران در حاشیه آن حک شده است: «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر»^۱ درج این آیه و آیات دیگر در سکه‌ها، تلاش حکمرانان «نامسلمان» ایلخانی برای کسب مشروعیت در «جامعه اسلامی» را نشان می‌دهد.^۲ ایلخانان «نامسلمان» به ناگزیر از شعائر و آداب و عقاید اسلامی تبعیت کرده و در سکه‌های هولاکو آیه «قل اللهم...» حک شده بود. (سرفراز و آورزمانی، ۲۱۶؛ برای مطالعه بیشتر نک: بیات، ۱۴۰۱: ۱۶-۴۲). پیشینه کاربرد آیه ۲۶ سوره آل عمران بر روی سکه‌های دوره اسلامی به احمد بن عبدالله خجستانی بازمی‌گردد. خجستانی از امرای محمد بن طاهر (۲۴۸-۵۹)، واپسین حاکم طاهریان در خراسان بود. پس از تسلط یعقوب بن لیث بر خراسان و کنار زدن دولت طاهریان، خجستانی به یعقوب پیوست و جایگاه برجسته‌ای یافت، اما در نهایت علیه صفاریان و یعقوب شورش کرد و در خراسان اعلام استقلال نمود. بر درهم‌های خجستانی ضرب سال‌های ۲۶۷ و ۲۶۸ هجری قمری ضرب نیشابور و هرات، بر حاشیه روی سکه آیه «اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک من تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر» ذکر شده است (رمضان، ۱۴۲۳: ۱۰۷؛ علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۱۲۸؛ رضایی باغبیدی؛ ۱۳۹۳: ۲۶۳). پس از وی رافع بن هرثمه در پی قیام علیه عباسیان در عهد خلافت معتضد و حاکمیت بر خراسان تا ری، با اقتباس از خجستانی و به تقلید از او بر حاشیه روی سکه‌های خود ضرب مرو سال ۲۶۹ ق. و نیشابور سال ۲۷۰ ق. این آیه را به کار برد (رمضان، ۲۰۰۸: ۲۸۰؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۹۶ علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). رافع حتی سکه‌ای در سال ۲۷۱ ق. به نام محمد بن طاهر دوم، ۱۲ سال پس از سقوط طاهریان با درج این آیه ضرب کرد (علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۶۴). ضرب این آیه بر روی سکه‌های خجستانی و رافع که حکام شورشی محسوب می‌شدند، با این مضمون که حکومت و حکمرانی از سوی

۱. پروردگارا، پادشاهی از آن تو است، به هر که می‌خواهی حکومت می‌دهی و از هر که بخواهی می‌گیری هر که را بخواهی عزیز و نیز هر که را خواهی خوار گردانی سررشته همه خیرات به دست توست و تو بر هر کاری توانایی» (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۵: ۲۸۰-۲۷۹).

۲. برای مطالعه بیشتر نک: (علاءالدینی، ۱۳۹۵؛ برای مطالعه بیشتر درباره شواهد سکه‌شناسی در زمان ایلخانان مسلمان و تیموریان ر. ک: همو؛ ۱۳۹۶؛ همو، ۱۳۹۷)، ترابی طباطبایی و سلیمانی، ۱۳۸۶).

پروردگار اعطا می‌شود تلاشی به‌منظور مشروعیت‌بخشی به حکومت نوپای خود و به چالش کشیدن ویژگی مشروعیت‌بخشی خلافت عباسی بود.

از سده چهارم تا زمان هلاکو یعنی سده هفتم هجری قمری، تاکنون سکه‌ای به دست نیامده که آیه ۲۶ سوره آل عمران بر آن ضرب شده باشد. هلاکو (۶۶۳-۶۵۴ق) مؤسس سلسله ایلخانان مغول، روی نخستین سکه‌های ضرب شده این آیه را حک کرده‌است. (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸-۲۵) هلاکو بر تعداد زیادی از دینارها و درهم‌های خود این آیه را ضرب کرده‌است. از جمله دینار ضرب بغداد سال‌های ۶۵۶ هـ.ق. (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۰؛ یوسف، ۱۴۲۳: ۱۰۷؛ رمضان، ۱۴۲۹: ۸۴-۸۳)، درهم‌های ضرب بغداد به سال ۶۵۶ ق. (رمضان، ۱۴۲۹: ۸۴)، دینار ضرب موصل سال ۶۶۲ ق. و فلوس ضرب آرپلا [Arbela] سال ۶۶۱ ق. (یوسف، ۱۴۲۳: ۱۰۷). یوسف معتقد است که هلاکو به این دلیل این آیه را بر سکه‌های خود ضرب کرده تا این نکته را به مسلمانان متذکر شود که خداوند متعال پادشاهی را به او بخشیده و او را عزیز گردانیده و آن را از عباسیان سلب کرده‌است و مسلمانان باید به رضایت پروردگار راضی باشند (همان: ۱۰۸). آیه ۲۶ سوره آل عمران روی سکه طلا با نام هلاکو تاریخ ۶۵۶ق. با مکان نامعلوم ضرب شده‌است. (Diler, 2006: 240) سکه دیگری از طلا با نام هلاکو و منگوقاآن آیه قل اللهم مالک الملک، در موصل، به تاریخ ۶۷۷ ق. ضرب شده‌است. (Ibid: 237) سکه دیگر هم باز با نام هلاکو و منگوقاآن با همین آیه در تاریخ ۶۶۶ ق. در بغداد ضرب شده‌است. (Ibid, 235)

حکمرانان پس از وی نیز این آیه را بر روی سکه‌های خود ضرب کرده‌اند. اباقاخان (۶۶۳-۶۸۰ق.) جانشین هلاکو نیز بر دینارهای ضرب بغداد به سال‌های ۶۶۴ و ۶۶۵ هجری قمری موصل ضرب ۶۷۴ ق. و ارمیه ضرب سال‌های ۶۶۶ و ۶۶۸ ق. (یوسف: ۱۰۹؛ رمضان، ۱۴۲۹: ۹۱) سکه‌هایی دقیقاً شبیه سکه‌های هلاکو ضرب کرده‌است. سکه نقره‌ای از اباقا با همین آیه در جزیره شهری در شمال عراق به دست آمده‌است (Diler, 261). سکه نقره‌ای از احمد تکودار تنها ایلخان مسلمان دوره نامسلمانی ایلخانان که ضرب موصل در سال ۶۸۲ ق. در دست است که در حاشیه روی آن این آیه ضرب شده‌است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۸۰). سکه دینار ضرب بغداد به سال ۶۶۸ ق. متعلق به ارغون نیز در دانشگاه توپینگن آلمان

موجود است که بر حاشیه آن این آیه ضرب شده است (رمضان، ۱۴۲۹: ۹۴). از غازان محمود (۷۰۳-۶۹۴ ق.) نیز دینار ضرب بغداد سال ۷۰۱ ق. با درج آیه «قل اللهم توتی...» برجای مانده است. هم چنین سلطان ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶ ق.) نیز پس از پیروزی بر امرای خویش این آیه را بر روی سکه‌هایش، از جمله دینار ضرب ۷۲۵ ق. ضرب کرده است (همان: ۱۰۹).

این نکته نیز قابل ذکر است که به جز ایلخانان این آیه صرفاً توسط برخی از حکام حکومت بنی نصر غرناطه بر روی سکه‌هایشان به کار رفته است. از جمله اسماعیل اول (۷۱۳-۷۲۵ ق.) پس از قیام علیه ملک محمد و خلع او این آیه را بر روی سکه‌هایش ضرب نمود تا به حکومت غیرقانونی خود مشروعیت دهد جانشینان وی نیز این رویه را ادامه دادند (یوسف، ۱۴۲۳: ۱۱۱-۱۱۰). بعید نیست که این اقدام به تقلید از ایلخانان صورت گرفته باشد. هم‌چنین از جمله دیگر مصادیق کاربرت این آیه توسط حکومت‌های معارض، می‌توان به استفاده «سربداران» از این آیه یاد شده بر سکه‌های خود نام برد. (نک: سکه شماره ۱۱ نک: از: علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۴۶) پشت و روی این سکه از این آیه استفاده شده است. این آیه را از منظر مشروعیت‌یابی می‌توان به آیه و نشان «حکومت‌های معارض» هم نامید.

معنی این آیه عبارت است از: «بگو بار الهای، ای دارنده فرمانروایی، به هر که می‌خواهی حکومت می‌دهی و از هر که می‌خواهی باز می‌ستانی، هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار می‌گردانی. سررشته همه خیرات به دست توست و تو بر هر کاری توانایی.» (قرآن کریم، سوره آل عمران. آیه ۲۶) در خصوص ضرب این آیه بر سکه‌های ابتدای دوران ایلخانان می‌توان نظریات متفاوتی ارائه داد. طبق نوشته شبانکاره‌ای هنگامی که فرستاده‌ای از سوی مستعصم آخرین خلیفه عباسی در حضور هلاکو بود، مؤذنی از سر مناره پس از گفتن بانگ نماز آیه ۲۶ سوره آل عمران را خواند. هلاکو از اطرافیان راجع به این آیه و تفسیر آن پرسید و آنان در پاسخ گفتند که معنی این گفته این است که خدای جهان هر کس را که بخواهد عزیز کند و هر کس را که خود بخواهد خوار گرداند. هلاکو به فرستاده مستعصم گفت جواب مستعصم همین است بگو که خدا ما را عزیز کرده و تو را خوار نمود (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۶۳-۲۶۲). این روایت فارغ از اینکه صحنه‌سازی اطرافیان مسلمان هلاکو بوده یا خیر، نشان از آگاهی هدف‌مند برای بهره‌گیری از الگوهای اسلامی و آیات

قرآنی در مقابل مشروعیت بلامنازع خلافت عباسیان دارد.

برخی بر این باورند که این آیه به جهت تغییر حکومت و قدرت یافتن مغولان و سقوط عباسیان ضرب شده است. در واقع مغولان با ضرب این آیه بر سکه‌ها درصد برآمده‌اند که قدرت خود را بر سرزمین‌های اسلامی توجیه کنند (نک: سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹۱: ۸۰-۲۷۹). برخی نیز مفهوم کلی این آیه را با باورهای تقدیرگرایانه فرهنگ مغولی هم‌راستا دانسته‌اند (شمسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۱). به‌طور کلی به نظر می‌رسد که مغولان و به‌ویژه هلاکو پس از برانداختن خلافت به‌صورتی هدفمند با کاربرد آیه ۲۶ آل‌عمران بر روی سکه‌های بغداد و دیگر شهرهای عراق در پی توجیه حاکمیت خود بر آن نواحی و نیز کسب مشروعیت بوده است. در حقیقت ضرب این آیه توسط دیگر ایلخانان مغول بر روی سکه‌های ضرب بغداد و موصل نیز گواهی بر این مدعاست، چون آن‌ها نیز در عراق یعنی کانون مرکزی خلافت عباسی در پی تجدید مشروعیت خود بودند.

در باب کاربرد آیات و شعائر مذهبی و نمادین بر سکه‌های ایلخانان شواهد سکه‌شناسی نکات جالب توجهی ارائه می‌دهند. نخستین مورد مهم و قابل‌تکا که تاکنون بدان توجه نشده، این امر است که آن‌چنان که نشان داده شد، ایلخانان در سراسر دوران زمامداری خود به‌صورت پراکنده آیه «اللهم توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء» را به‌کار برده‌اند، اما جالب است که آن‌ها صرفاً بر سکه‌های ضرب‌خانه‌های عراق، قلمرو خلافت عباسی، (از جمله بغداد، موصل و اربل) این آیه را ضرب کرده‌اند. در ضرب‌خانه‌های جغرافیای ایران به‌جز یک مورد، سکه ضرب اباق‌خان در ارمیه (رمضان، ۱۴۲۹: ۹۱)، سکه‌ای با ضرب این آیه مشاهده نشده است. لذا می‌توان دریافت که مغولان همواره پس از بین بردن خلافت با بحران مشروعیت در عراق روبرو بوده‌اند و با کاربرد این آیه بر روی سکه‌های ضرب عراق سعی در مشروعیت‌بخشی به خود و مشروعیت‌زدایی از سایه سنگین میراث خلافت عباسیان داشته‌اند. بنابراین بی‌جا نیست اگر این آیه را آیه «مشروعیت‌بخش حکومت‌ها» علیه عباسیان نیز بنامیم.

در حقیقت در ایران با گذشت چند دهه از حضور مغولان و تضعیف حاکمیت سیاسی خلفا طی چند سده پیش از مغولان، نیازی به اثبات مشروعیت از سوی ایلخانان، همچون

عراق نبود. به‌عکس در ایران از سایر الگوهای ایرانی و قرآنی - اسلامی، به‌خصوص مفهوم ظل‌اللهی بر سکه‌های خود استفاده کردند، مفاهیمی که در متن‌های تاریخ‌نگاری این دوره بسیار به‌کار رفته‌است. به‌عنوان نمونه سکه‌ای نیز از زمان ابوسعید از ایلخانان مسلمان به دست آمده که عبارت ظل‌الله در آن حک شده‌است. متن پشت سکه به شرح زیر است: السلطان الاعظم / ظل‌الله فی العالم / ابوسعیدخان / خلدالله سلطانه؛^۱ چراکه با مسلمان شدن آن‌ها قادر بودند از تمام مؤلفه‌های مشروعیت‌بخش استفاده نمایند. درحالی‌که این آیه به همان نسبت که برای حکومت‌های وقت کارا و مشروعیت‌بخش است به دلیل خصلت فراگیر و غیر مشروط آن و بسته شدن به اراده صرف الهی می‌تواند برای تمام معارضان و مخالفان حکومت‌ها نیز کاربست داشته باشد.

به تعبیری می‌توان گفت مشروعیت‌سازی در عصر ایلخانی در هر دو دوره «مسلمانی» و «نامسلمانی»، در قالب شعارهای مغولی،^۲ ایرانی و اسلامی استوار است. استفاده از عنوان «قآن» در سکه‌های پنج ایلخان نخست و اصطلاح «قآن منشأ قدرت» تا انتهای دوره ایلخانان «نامسلمان» مشاهده می‌شود. تعبیر «قآن منشأ قدرت» از تعابیر بسیار بااهمیت در فهم مشروعیت‌بخشی ایلخانان «نامسلمان» محسوب می‌شود و نیاز است با تأمل بسیار در نظر گرفته شود. این امر که «منشأ قدرت» به خود قآن ربط داده شده و با خودبستگی ایجادشده، نمادی از خدای‌گونگی قآن را نشان می‌دهد. اما با اسلام آوردن ایلخانان و استفاده سهل‌تر از الگوهای اسلامی و مذهبی، مسئله مشروعیت‌یابی تا حدود زیادی پاسخی از درون گفتمان‌های مذهبی موجود جامعه اسلامی یافت. از این رو چنین عباراتی جای خود را به مهم‌ترین رکن مشروعیت‌بخش سلاطین مسلمان یعنی ظل‌الله داده‌است. جالب است با وجود اسلام آوردن ایلخانان همچنان، استفاده از مهم‌ترین مقدسات و شعائر مغولی یعنی نام خدای مغول‌ها «تنگری» در سکه‌های غازان خان مشاهده می‌شود. درواقع باید اذعان کرد ایلخانان متقدم همچنان که با وجود «نامسلمانی» از برخی مفاهیم و مؤلفه‌های اسلامی برای

۱. فلوس با تاریخ نامعلوم (شماره سکه www.totak.dk,A-2220Y)؛ به نقل از (شیمای شمسی و دیگران، پاییز و زمستان ۱۳۹۷) از آقای نجف‌زاده که با ارسال تصویر این سکه مرا همراهی نمودند بسیار سپاس‌گزارم (نجف‌زاده، ۱۳۹۸).

۲. درباره استفاده از نام «قآن» و «منشأ قدرت» در سکه‌های ایلخانان نامسلمان و عنوان «تنگری» در سکه غازان خان نک: (شمسی، ۱۱۵)

مشروعیت‌بخشی استفاده کرده‌اند مانند استفاده از آیه قرآن و یا تعبیر «اراده الهی»، برعکس آن نیز صدق کرده و ایلیخانان مسلمان نیز همچنان از الگوهای مغولی بهره گرفته‌اند اما میزان استفاده و درواقع کفه ترازوی «الگوهای اسلامی در عصر نامسلمانی» بر کفه «الگوهای مغولی در عصر مسلمانی» به شدت غلبه دارد. این امر نشان از نیاز شدید مشروعیت‌بخشی حکومت ایلیخانان «نامسلمان» از طریق الگوهای «اسلامی» دارد. اشاره به این امر که «به‌کارگیری این مفاهیم بر سکه‌ها، برحسب مضمون و میزان، از رقابت‌های سیاسی داخلی و خارجی دوره هر ایلیخان تبعیت نموده‌است» (شمسی، ۹۳) واقعیت تنازعات و تخاصمات گوناگون نظامی و مذهبی در عصر ایلیخانی را نشان می‌دهد.

در ساخت‌یابی مشروعیت این دوره، مطابق داده‌های سکه‌شناسی می‌توان از دو وجه اساسی یاد کرد: وجهی متناسب با حضور فرهنگ مغولی براساس تعبیری مانند «قآن»، «قآن منشأ قدرت» و نام خدای مغولی «تنگری» و نام «اویغوری» و وجه مهم‌تر کاربست الگوهای اسلامی مانند «اراده الهی»، «آیه ۲۶ آل عمران»، «سلطان»، «شعائر»، «ذکر اسامی مشاهیر اسلامی» و «مالک الرقاب الامم» در عصر ایلیخانان «نامسلمان» اشاره کرد. تعبیر اخیر «مالک الرقاب الامم» تنها در سکه‌های زمان هلاکو نخستین ایلیخان مقتدر و مؤسس ایلیخانیان به کار رفته و در سکه‌های جانشینان وی به کار نرفته‌است. تا اینکه با اسلام آوردن غازان، الجایتو و ابوسعید از این تعبیر مجدداً در سکه‌هایشان استفاده کردند. این تعبیر وجه «جهانی» و «فرامرزی» قدرت و حکومت مغول‌ها را نشان می‌دهد. به تعبیری دیگر از یک سو آرزوی دستیابی بر جهان و مالک‌الرقاب بودن بر تمام امت‌ها را نشان می‌دهد که این امر از مهم‌ترین اهداف کشورگشایی‌های مغولان از همان ابتدای حملاتشان بوده که با عبارت عربی - اسلامی «مالک الرقاب الامم» در سکه‌ها نمود یافته‌است. از سوی دیگر تعبیر «مالک الرقاب الامم» نماد وجهی از مشروعیت است که مستقیم از قدرت و مالکیت مطلق نشئت می‌گیرد. بودائیت نیز به‌خصوص در زمان ارغون که بودایی متعصبی بود، رشد و نفوذ به‌سزایی یافت؛ اما به‌تدریج نفوذ خود را از دست داده و در زمان غازان به‌طور کلی از ایران

محو شدند.^۱ همین وضع در مورد مسیحیت و یهودیت نیز صدق می‌کند.^۲

افزون بر این‌ها آنچه در تثبیت قدرت و مشروعیت مغولان پیش از اسلام آوردن تأثیرگذار بود می‌توان موهومات، خرافات، طالع، بخت، اقبال، نجوم، فال، خواب، قضا و قدر و ویژگی‌های الهی چنگیزخان و مغولان نام برد که بعدها نیز این گفتمان‌ها در فرهنگ جامعه ایران باقی مانده و آثار آن‌ها تاکنون برجای مانده‌است (سلماسی‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۴۴-۷۳۵). از مهم‌ترین آن‌ها صفاتی است که برای چنگیز برشمرده می‌شود. برشمردن صفات الهی برای او که توسط خداوند از بلاها و آفات مصون گردیده و با هوشمندی و عقل از اقران ممتاز و با آگاهی و قدرت بر ملوک دیگر سرافراز شده‌است. و چون توانسته بود کوچک‌ترین خان را که دین احمدی و شرع محمدی را تعرض می‌رساند، شکست دهد، اگرچه خود مسلمان و متقلد آن نیست، هر روز کار او در مزید رفعت است و نمو مرتبیت، و از همین روست که خداوند چنگیز را تقویت نموده موجبات تمشیت دولت مغول را فراهم می‌نماید و حکومت همه روی زمین از آفتاب برآمدن تا آفتاب فرورفتن را به وی واگذار می‌کند. و آسمان و زمین نیز در این کار به امداد وی می‌شتابند. لشکریان مغول و سپاهیان خدا و سواران الهی قلمداد می‌شوند که خدا ایشان را بر هر مردمی که بر آنان خشم گرفته باشد مسلط خواهد کرد. با عنایت به همین صفات و خصوصیات است که جوینی مغولان را تقویت‌کنندگان دین الهی و متوکلان واقعی به خدا معرفی می‌کند. و گروهی پا را فراتر نهاده، سخن از نبوت موروث چنگیز و اخلافتش به میان می‌آورند که با کمال تعجب تعدادی از عالمان نیز بر آن صحه می‌گذارند. واضح است نتایج چنین شناخت و توصیفی از مغولان در میان جامعه مذهبی آن روز ایران منجر به آن شود که حتی اندک کسانی که خویش را آماده مقاومت و پایداری نموده بودند، دچار ناامیدی و وحشت شده و به یاری عقل‌گرایی مصلحت‌اندیشانه و عاقبت‌طلبی تسلیم برابر مغولان را تنها راه نجات و رهایی پنداشته به این نتیجه برسند که

۱. (اتینگهاوزن، اشیولر، بطروففسکی، لمبتن و مرگان، ۱۲۸۴: ۶۲-۶۱)؛ مسیحیت و یهودیت نیز پیش از اسلام آوردن ایلخانان نفوذ مقطعی یافته و سپس این نفوذ را با روی کار آمدن غازان از دست دادند. (همان، ۶۶-۶۲).

۲. در مورد رابطه ادیان مسیحی، یهودی و بودایی با مغولان در اوایل حمله و حضورشان به‌عنوان ایلخان تا پیش از مسلمان شدن در غالب مطالعات و تحقیقات این دوره اشاره شده‌است. اشیولر اعتقاد دارد این امر به دلیل نبود تعصب مذهبی در میان مغولان شمنی بود. تا جایی که اشاره شده‌است که خان‌های مغول با مدارای دینی که در پیش گرفته بودند، هیچ‌گاه دسته خاصی را بر دیگران برتری نمی‌دادند و به‌ندرت شنیده می‌شود که مغولان مستقیماً در اختلاف میان مذاهب دخالت کنند؛ نک: (اشیولر، ۱۲۶۵).

اطاعت احکام ایشان و اجتناب از طغیان بر ضد آنان برای حفظ خان و مان عقلا لازم است. و دلیل شرعی «قضیت حکم ربانی» نیز بر آن افزوده و هراسندگان را عاقل، دوراندیش، مسلمان، بزرگان و معارف، محترم، متشرع، دانا و ... معرفی کرده و انسان‌هایی که قصد ستیز با مهاجمان را داشته رنود، اوباش، شریر، عوام، کوتاه نظر، مبتدع، احمق، دیوانه، فتنه‌گر، لجوج، سالوس کار و ... اعلام نمایند.^۱

نتیجه

چنانچه اشاره رفت مشروعیت مغولان در زمان نامسلمانی توسط مورخان و برخی علما نظریه‌پردازی شده بود. اما با توجه به تثبیت قدرت آن‌ها و همچنین برخورد با جهان اسلام در مرزهای غربی و به‌خصوص درگیری‌ها و رقابت‌های درون‌گروهی خود، نیاز به مبنای مشروعیتی بیش از آنچه فراهم شده بود داشتند تا بتوانند مسئله مشروعیت خود را با توجه به زمانه‌شان پاسخ دهند. براساس مسکوکات به‌دست‌آمده از آن عصر و در مطالعه تطبیقی «مبنا» و «مسئله» مشروعیت در میان حکمرانان مغولی مسلمان و نامسلمان به الگوهای ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱. تواتر استفاده از الگوی اسلامی به‌خصوص آیه «قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیئی قدیر» در دوره نامسلمانی، به‌ویژه زمان مؤسس این حکومت یعنی هلاکوخان براساس شواهد سکه‌ها مشهود است. مدد مسلمانان در راهنمایی مغولان برای استفاده از آیات قرآنی طبیعی است. ایلخانان پس از بین بردن خلافت عباسی در عراق همواره با بحران مشروعیت مواجه بوده‌اند و با ضرب این آیه بر سکه‌های

۱. این بخش برداشتی است از مقاله سلماسی زاده که متن آن به منابع اصلی دوره مغول مستند شده است. این منابع شامل جهانگشای جوینی، تاریخ‌گزیده، تاریخ‌وصاف، جامع‌التواریخ است، برای ادای حق مولف به‌جای ارجاع به منابع مستقیم به مقاله ایشان ارجاع داده شده است؛ نک: (سلماسی‌زاده، همان، ۷۴۴-۷۳۵)؛ قلم تمجید را از تقبیح مقاومت‌های مردمی که در چهل عدیم‌المثل بودند به مشروعیت الهی منگوقاآن شمن‌پرست سوق می‌دهد. وی را مورد تایید خدا معرفی کرده و برخی از کارهای خارق‌العاده و معجزات که شایسته مقام و منزلت منبع پیامبران الهی است از جمله شکافتن آب برای وی در یکی از لشکرکشی‌هایش علیه ترکان قیچاق، را نشانه تایید پادشاه از سوی خداوند می‌خواند. افعال خیر او را بسیار بیشتر از آنچه هست توصیف می‌کند؛ (حسن‌زاده، بهار ۱۳۸۰: ۱۴۷).

ضرب عراق سعی در کسب مشروعیت در تناظر و تضاد با خلافت عباسی داشته‌اند. نکته جالب اینجاست که بیشتر ایلخانان «نامسلمان» از این آیه استفاده می‌کردند و دوره ایلخانان «مسلمان» نیز به صورت بسیار محدود تنها در بخش‌هایی از منطقه عراق به این کار مبادرت ورزیده‌اند. در یک الگوی کلی آیه ۲۶ سوره آل عمران را می‌توان آیه «معارضین حکومت‌ها» نیز نام برد درحالی‌که حکومت‌های مستقر و به‌خصوص با پشتوانه مشروعیت از این آیه استفاده نمی‌کردند، مگر در موارد خاص و بسیار شاذ. در یک نگاه کلان باید اشاره کرد در اوایل قدرت‌گیری بیشتر امکان استفاده از این آیه وجود دارد. این آیه در زمان هلاکو مؤسس و نخستین ایلخان بیشترین ضرب را داشته‌است. آیه و یا سایر نمادها عموماً همراه با «سلطان اعظم العادل» بوده‌است. در مجموع صفت «عدل»، «عادل» و «اعدل» برای ایلخانان نامسلمان مؤکد و متواتر حک شده‌است.

۲. استفاده از الگوهای غیراسلامی در زمان مسلمانی ایلخانان. به‌خصوص استفاده از عنوان «تنگری» در سکه‌های عصر غازان خان.

۳. نسبت استفاده از الگوهای «اسلامی» در عصر «نامسلمانی» به الگوهای «غیراسلامی» در عصر «مسلمانی» بسیار بیشتر و قابل‌تأمل‌تر است. این امر نشان از تفوق مبنای مشروعیت‌یابی در دوره «نامسلمانی» براساس «الگوهای اسلامی» دارد. درحالی‌که مبنای مشروعیت دوره مسلمانی چندان به الگوهای غیراسلامی از جمله مغولی متکی نیست، و کفایت لازم را از الگوهای اسلامی اخذ می‌نماید. با مسلمان شدن حکمرانان مغولی مسئله مشروعیت از طریق الگوی اسلامی مینا و کفایت لازم را داشته؛ اما با وجود این، از الگوهای «مغولی» و «غیراسلامی» نیز برخلاف عصر «نامسلمانی» بهره گرفته می‌شود. این امر خود قابل‌تأمل است و به‌نظر می‌رسد از منظر ایلخانان نامسلمان، مسئله مشروعیت در میان ملل مسلمان چنان برایشان اهمیت داشته که از بروز و ظهور نمادها و جلوه‌های مغولی که ممکن است بحث‌برانگیز باشد حتی‌المقدور در سکه‌ها خودداری نموده و می‌توان گفت رواج اندکی دارد. ایلخانان مغول نامسلمان بیشتر درصدد استفاده از فرهنگ مغلوبین خود

بودند که سطح فرهنگی و تمدنی ممتازتر و متفاوت نسبت به آنها داشتند. جالب توجه است ایلیخانان مسلمان راحت تر از الگوهای «مغولی» در سکه ها استفاده کرده اند.



سکه طغاتی‌مور، شماره ۴۰

منبع: علاءالدینی، ۱۳۹۵: ص ۵۷۴

آیه (قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک ...) در حاشیه روی سکه آمده است.



سکه هلاکو، شماره ۳

منبع: علاء‌الدینی، همان، ص ۲۹



سکه علی مؤید

منبع: پاکزادیان، ۱۳۹۶: ۱۲۵

منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- اتینگهاوزن، اشیپولر، پطروشفسکی، لمبتن و مرگان (۱۳۸۴). *ایلیخانان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- اشیپولر (۱۳۶۵). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- برادبریج، آن. اف. (۱۳۹۹). *پادشاهی و ایدئولوژی در دنیای اسلامی - مغولی؛ چالش مشروعیت سیاسی - مذهبی میان فرمانروایان ایران با ممالیک مصر: از ایلیخانان تا تیمور*، ترجمه جواد عباسی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بیات، مسعود (۱۴۰۰). *سکه‌های ایلیخانی*، ترجمه سیدحسام‌الدین آل یاسین، پروانه بیات و سعید بیات، تهران: وزارت امور خارجه.
- پاکزادیان، حسن (۱۳۹۶). *تاریخ در سکه‌های سربداران*، تهران: انتشارات خواندنی.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۰). *سکه‌های شاهان اسلامی ایران*، نشریه شماره ۵ موزه آذربایجان.
- ترابی طباطبایی سیدجمال و سعید سلیمانی (۱۳۸۶). *سکه‌های گورکانیان و سورتسارزها*، تبریز: مهد آزادی.
- جوینی، عطاالملک محمد (۱۳۷۵). *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- خواجه رشیدالدین فضل‌الله (بی تا). *جامع‌التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- دلیر، نیره (۱۳۹۷). *مفهوم مشروعیت در تاریخ ایران میانه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳). *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان*، تهران: سمت.

- سرفراز علی‌اکبر و فریدون آوزرمانی (۱۳۹۵). *سکه‌های ایران؛ از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- سلیمانی، سعید (۱۳۹۶). *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرن سوم و چهارم هجری)*، تهران: برگ نگار.
- شاهمرادی، سید مسعود (۱۳۹۹). *تاریخ تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و فرهنگ اسلامی.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۶۳). *مجمع‌الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شریعت‌زاده، سید علی‌اصغر (۱۳۹۰). *سکه‌های ایران زمین*، تهران: پازینه.
- علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۴). *سکه‌های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- (۱۳۹۶). *سکه‌های ایران؛ از انقراض ایلیخانان مغول تا استیلای تیمور گورکان*، تهران: برگ نگار.
- (۱۳۹۵). *سکه‌های ایران دوره ایلیخانان مغول*، تهران: برگ نگار.
- (۱۳۹۷). *سکه‌های ایران؛ دوره گورکانیان (تیموریان)*، تهران: پازینه.
- فررو، گولیلمو (۱۳۷۰). *حاکمیت فرستگان محافظ مدنیت*، ترجمه عباس آگاهی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نظام‌الملک (۱۳۴۰). *سیرالملوک / سیاستنامه*، تصحیح هیوبرت دارک، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- وصاف (۱۳۷۲). *تحریر تاریخ و صاف*، به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هوپ، مایکل (۱۴۰۱). *قدرت، سیاست و سنت در امپراتوری مغول و ایلیخانان*، ترجمه سید ابوالفضل رضوی، تهران: نگارستان اندیشه.
- یوسف، فرج الله احمد (۱۴۲۳ق). *الآیات القرآنیة علی المسکوکات الاسلامیة دراسة المقارنه*، ریاض: مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیة.

مقالات

- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۰). اندیشه مشیت الهی در تاریخنگاری اسلامی، مطالعه موردی تاریخ جهانگشای جویی، *تاریخ اسلام، باقرالعلوم*، ۱(۵)، ۱۳۳-۱۶۶.
- دلیر، نیره (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی تاریخی قدسیت سلطنت و مفهوم ظل‌الله در تاریخ‌نگاری دوره ایلیخانی، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، ۳۱(۲۸). ۱۱۹-۱۰۱
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۹۲). نصیرالدین طوسی و گفتمان مهار در عهد نامسلمانی ایلیخانان، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۴(۱۳)، ۹۳-۱۰۸.
- رمضان، عاطف منصور محمد، (۲۰۰۸). من نقود الثوار فی الخراسان، رافع بن هرثمه، *عالم المخطوطات و النوادر*، ۱۱۳(۲).
- رمضان، عاطف منصور محمد (۱۴۲۹). «العقائد و الديانات غیر الاسلامیه علی النقود الایلیخانیه»، *ادماتو*.
- رمضان، عاطف منصور محمد (۱۹۹۸). ثوره احمدبن عبدالله الخجستانی کما نظرها النقود، *ندوه الآثار الاسلامیه فی الشرق العالم الاسلامی*.
- رمضان، عاطف منصور محمد (۱۹۹۹). اضاء جدیده علی نقود احمد بن عبدالله الخجستانی، *کلیه الآداب بقنا*، ش ۹.
- سلماسی‌زاده، محمد (۱۳۷۹). همای اقبال و صدای ادبار، در: *مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن*، جلد دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۴). شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان، *شیعه‌شناسی*، ۱۳(۵۱)، ۷-۲۶.
- سرافرازی، عباس (۱۳۸۹). گرایش‌های سیاسی اجتماعی ایلیخانان براساس مسکوکات، *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، ۲(۱)، ۴۷-۶۶.
- شرفی، محبوبه (۱۳۹۵). نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلیخانی، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۰(۱۹)، ۱۲۱-۱۴۴.
- شمسی، شیما؛ شاطری، میترا و احمدی، عباسعلی (۱۳۹۷). تحلیل فرایند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلیخانی، *جستارهای تاریخی*، ۹(۲)، ۹۳-۱۲۱.

- فیضی، فرزاد؛ شهبازی شیران، حبیب و حاجی‌زاده، کریم (۱۴۰۱). برهمکنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۳(۳۰)، ۱۱۵-۱۴۰.

پایان نامه

- نجف‌زاده، احسان (۱۳۹۸). *اهمیت تاریخی سکه‌شناسی مغول و ایلخانان*، پایان‌نامه ارشد دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ.

منابع انگلیسی

- Aykut, Tuncay;/Aydin, Sennur (1992). *Mogol ve Ilhanli Sikkeleri: Mongol and Ilkhanid coins*, Istonbul: Aralik.
- Diler, Omer (2006). *Ilkhans: coinage of the Persian Mongols*, Istanbul: 2006.